

قتل خواستگار قبلی با همدستی راننده تاکسی اینترنتی

■ آرمین بینا

راننده تاکسی اینترنتی وقتی فهیمد خواستگار قبلی دختر مورد علاقه‌اش اصرار به ازدواج دارد نقشه قتل او را با همدستی دخترنظر طراحی و اجرا کرد.

اواسط بهمن‌ماه سال قبل مرد میانسانی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی پسر جوانش به نام وحید شکایت کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «وحید کار آزاد داشت، اما مدتی قبل بیگ بارشکد و به دنبال کار می‌گشت. امروز صبح مثل همیشه برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و قرار بود برای ناهار به خانه بازگردد، اما بازنگشت. چند ساعتی منتظرش بودیم، ولی خبری از او نشد و تلفن همراهش هم خاموش شد. نگرانش شدیم و با دوستان و بستگان تماس گرفتیم و حتی به مراکز در مانی هم سر زدیم، اما ردی از پسرم پیدا نکردیم. الان نگرانیم برای او اتفاقی بدی رخ داده باشد.»

■ **جواب رد**

با شکایت مرد میانسال، پرونده به دستور بازپرس جنایی برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. پس از این مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای پیدا کردن ردی از پسر جوان آغاز کردند و دریافتند پسر گمشده چند ماه قبل به خواستگاری یکی از بستگان دورش به نام پرستو رفته و قرار بوده با هم ازدواج کنند، اما بعد از مدتی با هم اختلاف پیدا می‌کنند و دختر جوان به او جواب رد می‌دهد. بدین ترتیب کارآگاهان به سراغ پرستو رفتند و او در ادعایی گفت: «مدتی قبل وحید همراه خانواده‌اش به خواستگاری من آمد و از آنجایی که از بستگان دورمان بودند، خانواده‌ام با ازدواج ما موافقت کردند و آنها هم برای من حلقه نامزدی آوردند. مدتی گذشت که متوجه شدم وحید بیکار است و از طرفی هم من دانشجوی هستم و دوست دارم ادامه تحصیل بدهم، به همین دلایل به او جواب رد دادم و حلقه نامزدی را هم پس فرستادم. از آن زمان از او خبری ندارم.»

■ **راننده تاکسی اینترنتی**

در حالی که مأموران پلیس هیچ ردی از پسر گمشده پیدا نکرده بودند در بررسی‌های فنی دریافتند وی آخرین بار با تلفن همراهش با پسر جوانی به نام کامبیز از تباط تلفنی داشته است. از سوی دیگر مشخص شد کامبیز، راننده تاکسی اینترنتی است و با خودرویش در تهران مسافرکنشی می‌کند. بنابراین مأموران کامبیز را به اداره پلیس احضار و از وی تحقیق کردند.

او در ادعایی گفت: «من با خودروی مسافرکنشی می‌کنم و مدتی قبل هم پسر جوانی را به عنوان مسافر سوار کردم و با هم آشنا شدیم. او شماره تلفن همراه مرا گرفت و قرار شد هر وقت خودرو نیاز داشت یا من تماس بگیرم تا او را به مقصد برسانم. چندباری با هم در تماس بودیم و من او را به مقصدش رساندم. روز حادثه هم او با من تماس گرفت و درخواست ماشین کرد تا او را به مکانی برسانم و من هم او را به مقصدش رساندم و دیگر از او وحید خبری ندارم.»

■ **راز قتل**

مأموران در بررسی‌های خود متوجه تناقض‌های گوی کامبیز شدند. اما دلیل و مدرکی برای بازداشت وی پیدا نکردند، به همین دلیل او را آزاد کردند تا اینکه در تحقیقات بعدی فهیمدند کامبیز مدتی است با پرستو، نامزد پسر گمشده ارتباط دارد و حتی به خواستگاری او هم رفته‌اند، به همین دلیل این فرضیه برای مأموران قوت گرفت که کامبیز از سرنوشت پسر گمشده یاخبر است. با به دست آمدن این اطلاعات، کامبیز بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد و در نهایت صبح دپروز به قتل وحید اعتراف کرد و گفت جسد مقتول را در بیابان‌های اطراف شهریار آتش زده است و پرستو هم شاهد جنایت بود. با اعتراف متهم، مأموران پرستورا هم بازداشت کردند. وی نیز در بازجویی‌ها گفت شاهد جنایت بوده، اما از ترس جانش سکوت کرده است. متهمان پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند. تلاش برای کشف جسد ادامه دارد.

■ **خواستگار لجباز**

متهم وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد با اظهار شیطانی به قتل اعتراف کرد و گفت برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌اش خواستگار لجباز را به قتل رسانده است.

■ **کامبیز چه شد که پسر جوان را به قتل رساندی؟**

اشتباه بزرگی کردم. می‌خواستم، به دختر مورد علاقه‌ام برسم، به همین دلیل خواستگار قبلی‌اش را به قتل رساندم.

خبر داشتی پرستو خواستگار داشته و به او جواب رد داده است؟

وقتی یا او آشنا شدم، خبر نداشتم و وقتی رابطه ما مصیمی و قرار شد با هم ازدواج کنیم، این‌ها موضوع را فهیمدم. واقعیتش پرستو موضوع را به من گفت.

چه شد که از خواستگار قبلی‌اش صحبت کرد؟

وقتی به خواستگارش رفتم، گفت وحید خواستگار قبلی‌اش دوباره به او پیام می‌دهد و اصرار به ازدواج دارد. وحید لجبازی می‌کرد و هر چندپرستو به او جواب رد می‌داد او کوتاه نمی‌آمد، به همین دلیل ما من درددل کرد و از خواستگار قبلی‌اش گفتم.

■ **چطور با پرستو آشنا شدی؟**

پرستو در دانشجو بود و چند ماه قبل از حادثه یک روز به عنوان مسافراز نزدیکی دانشگاه او سوار خودرویم کردم. در میانه راه با هم درباره موضوعات اقتصادی و فرهنگی صحبت کردیم و همین موضوع باعث آشنایی ما شد و بعد هم تلفن همراهم را به او دادم و قرار شد هر زمانی نیاز به خودرو داشت با من تماس بگیرد. چندباری او را به مقصدش رساندم و کم‌کم به هم علاقه پیدا کردیم و من پیشنهاد ازدواج دادم و پرستو هم قبول کرد.

■ **چرا وحید را به قتل رساندی؟**

من قصد قتل نداشتم و می‌خواستم، با او صحبت کنم و به او بگویم دست از سر دختر مورد علاقه‌ام بردارد، به همین دلیل روز حادثه همراه پرستو او را سوار خودرویم کردم و به سمت جاده ساوه رفتم. تا با هم جدی صحبت کنیم، در مکان خلوتی خودرو را متوقف کردم و از او خواستم پرستو را فراموش کند، اما او قبول نکرد. من عصبانی شدم و دو نفری از خودرو پیاده و با هم درگیر شدیم. به جریان درگیری با چاقو ضربه‌ای به گردن او زدم و وحید به قتل رسید. پس از آن جسدش را آتش زدم و به تهران بازگشتم.

■ **پرستو در لحظه حادثه مانع شما نشد؟**

درهای خودرو را قفل کردم و او را داخل خودرو حبس و بعد هم تهدیدش کردم در باره این حادثه با کسی حرفی نزدم.

حجوات

سرویس حوادث۶۰۰۶۸۵۲۳

باز کاوی افزایش نرخ جرایم رانندگی بر کاهش سوانح رانندگی درگفت‌وگو با دکتر علی دلداری قاضی دادگاه کیفری یک استان تهران

پول افزایش جرایم را خرج فرهنگ رانندگی کند

■ **حسین فصیحی**

افزایش نرخ جرایم رانندگی با هدف تلاش یرای جلوگیری از گشتارهای جاده‌ای تنها رویکردی است که مورد توجه ناگهانی پسر جوانش به نام وحید است. روشن است توجه به این موضوع در کنار بی‌توجهی به عوامل دیگر نمی‌تواند رانندگانی را که سال‌هاست بدون توجه به ساختار قانونی دست به تخلف می‌زنند در مسیر قانون قرار دهد. براساس آمار اولیه‌ای که پلیس از سوانح نوروزی منتشر کرده است، ۸۱۳ نفر کشته و بیش از ۲۱ هزار نفر معلول و مجروح شده‌اند. آمار سالانه

قربانیان سوانح رانندگی هم قریب به ۲۰ هزار کشته و ۳۷۰ هزار معلول و مجروح است که تأثیر افزایش جرایم رانندگی بر کاهش سوانح را در گفت‌وگو با دکتر

علی دلداری، رئیس شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران وقاضی کمیسیون ویژه رسیدگی به اعتراض‌های ناشی از تخلف‌هایی رانندگی هم هستم. بررسی‌ها در این باره حکایت از آن دارد که بعضی از تصادف‌ها ریشه در فرهنگ رانندگی ما دارد. وقتی راننده در حالت خواب‌آلودگی رانندگی می‌کند و خودرو واژگون می‌شود، یا کسی که با سرعت غیرمجاز رانندگی می‌کند یا راننده‌ای که ساعت ۴ صبح رانندگی می‌کند و هیچ کنترلی روی خودرو ندارد و تخلف‌هایی از این دست، هیچ ربطی به نرخ جریمه ندارد. کسی که در خستگی مغرط رانندگی می‌کند و به خودش هیچ استراحتی نمی‌دهد به همان میزان کنترلش روی خودرو پایین می‌آید،

تورم ارزش خود را از دست می‌دهد. به این معنا که شخص متخلف در ارتکاب سود و زیان آن می‌سنجد. مثلاً راننده با خود محاسبه می‌کند اگر از خیابان عبور ممنوع یا خط ویژه تردد کند جریمه آن فلان مقدار می‌شود و اگر جریمه ندهد در انجام کارش تأخیر می‌افتد و فلان مبلغ زیان می‌کند، یعنی هر مجرم با مختلفی سود و زیان رفتار خود را می‌سنجد و اگر ضرر جزئی باشد -که با نرخ جرایم جزئی محسوب می‌شد- فرد مرتکب تخلف خواهد شد. این فرد حتی افتخار نمی‌دهد وقتی پلیس با او فرمان ایست می‌دهد، توقف کند و اجازه می‌دهد پلیس هر مبلغی که خواست آن موضوع تا یک بنا براین با توجه به اینکه نرخ ارتکاب تخلف بالا رفته بود، کارشناس یکی از علل اصلی آن را پایین بودن نرخ جرایم تشخیص دادند و به این شکل اصلاحاتی صورت گرفت.

■ **هدف از این موضوع کاهش تخلف‌ها بوده است، بنابراین مهم ترس پرسش این است که آیا با افزایش نرخ جرایم، این هدف حاصل خواهد شد؟**

پاسخ شما را با نتیجه یک نظرسنجی می‌دهم. این پرسش را در قالب یک نظرسنجی مطرح کردیم که این حدود ۱۰ هزار نفر انجام شد. ۳۱ درصد گفتند افزایش نرخ جرایم بازدارنده خواهد بود و ۶۹ درصد تأکید داشتند که بازدارنده نیست و هر کس خواهد تخلف کند، تخلف می‌کند. پس باید ریشه‌های عمل مردم نهادینه شوند. در سفرهای نوروز شاهد بودیم سوانح رانندگی بسیاری اتفاق افتاد و آمار وحشتناکی منتشر شد. به واسطه همین سوانح، بنده اینفوگرافی جزئیات تصادف‌های کل کشور را که در دوره ۱۵ روزه سفرهای نوروزی رقم خورد، احصا کردم -به اعتبار

اینکه قاضی کمیسیون ویژه رسیدگی به اعتراض‌های ناشی از تخلف‌هایی رانندگی هم هستم. بررسی‌ها در این باره حکایت از آن دارد که بعضی از تصادف‌ها ریشه در فرهنگ رانندگی ما دارد. وقتی راننده در حالت خواب‌آلودگی رانندگی می‌کند و خودرو واژگون می‌شود، یا کسی که با سرعت غیرمجاز رانندگی می‌کند یا راننده‌ای که ساعت ۴ صبح رانندگی می‌کند و هیچ کنترلی روی خودرو ندارد و تخلف‌هایی از این دست، هیچ ربطی به نرخ جریمه ندارد. کسی که در خستگی مغرط رانندگی می‌کند و به خودش هیچ استراحتی نمی‌دهد به همان میزان کنترلش روی خودرو پایین می‌آید،

بنابر این می‌توانیم اینطور نتیجه‌گیری کنیم که اگر با افزایش میزان نقدی جرایم بخواهیم آمار تصادف‌ها را پایین بیاوریم تأثیر بسیاری کمی خواهد داشت. این موضوع ممکن است در مقطع کوتاهی از زمان در قشر متوسط مالی به پایین مؤثر باشد، اما کسانی که از رفاه و برخورد ارند در سبک و سنگین کردن ضرر و زیان ناشی از ارتکاب تخلف، همان تخلف را مرتکب می‌شوند، یعنی این موضوع در آنها تأثیرگذار نیست. در قشر متوسط به پایین مالی هم با توجه به نرخ تورم و وضعیت اقتصادی ممکن است این موضوع تا یک سال آینده خشتی شود، از همین رو براساس نظرسنجی که به آن اشاره کردیم ره‌ای جز ارتقای فرهنگ رانندگی نداریم، یعنی تا زمانی که فرهنگ رانندگی ارتقا پیدا نکند، نمی‌شود مانع تخلف‌ها شد. ما در این مجال

بحث تصادف‌ها را نداریم که بحث جدایی دارد و عوامل روشنی در آن دخالت دارند، بلکه درباره تخلف‌ها بحث داریم که فرهنگ راننده باید به‌گونه‌ای ارتقا پیدا کند که مرتکب تخلف نشود. این فرهنگ باید طوری نهادینه شود که حرف زدن با گوتکی تلفن همراه هنگام رانندگی خطرآفرین است.

■ **این موضوع چه زمانی محقق خواهد شد؟**

زمانی که با الگوی کشورهای پیشرفته این موضوع را عملی کنیم. این فرهنگ از آموزش و پرورش شروع و نهادینه می‌شود. مثلاً پسر می‌خواهد گواهینامه بگیرد، بنابراین برای گرفتن گواهینامه، آیین‌نامه را می‌خواند و بعد از دادن آزمون‌های عملی و تئوری گواهینامه را می‌گیرد. پرسش این است که آیا وراننده شده است؟ این موضوع برای خدوم هم جای سوال داشت. او از سوال کردم آیا در ۱۲ سالی

که درس خوانده در آموزش و پرورش اقدامی در این حوزه صورت گرفته است که جواب داد یک‌بار آنها را به پارک ترافیک بردند و به مدت ۱۵ دقیقه رویه موجود را برایشان شرح دادند. خوب روشن است ما در این باره فرهنگ‌سازی نکرده‌ایم. هر شهروند از زمانی که سوار تاکسی یا هر خودرویی شده در تمام عمر دیده است که راننده‌ها چطور رانندگی می‌کنند، برای همین این فرد در صورت نظام‌مند تبدیل به راننده‌ای شبیه دیگران می‌شود، یعنی با سرعت رانندگی می‌کند، سبقت غیرمجاز می‌گیرد و مواردی که برقرار است و می‌شود بی‌نظمی، ترافیک و آمار بالای تخلف‌ها.

■ **پلیس بیشتر روی موضوعی به نام همیار پلیس تأکید داشت و با حضور در مدارس در سراسره آن اقدام‌های فرهنگی صورت می‌داد، اما این موضوع قبل از اینکه نمره خود را عیان کند، رها و به فراموشی سپرده شد. روشن است که ساختارهای فرهنگی، در بازه زده هستند و اگر موضوع مدنظر شما بخواهد محقق شود نیازمند گذشت زمان بسیاری است. در این باره توضیح دهید.**

من به صورت مقطعی سالیان زیادی سمت اجرایی قضایی دادستانی را داشتم، از همین‌رو در شورای ترافیک و کمیسیون‌های پلیس راهور شرکت می‌کردم و آنجا به صورت مقطعی جز ارتقای فرهنگ رانندگی معین می‌خواستند و برای یک بازه زمانی معین می‌خواستند. مثلاً ماه محرم این فرهنگ را منتقل کنند. مثلاً ماه محرم از لباس‌هایی تحت عنوان پلیس یار محرم استفاده می‌شد یا در تعطیلات نوروزاز داولبلیان کمک می‌خواستند تحت این عنوان در کنار پلیس به رانندگان خدمت‌رسانی کنند که به اعتقاد من با این کارهای مقطعی نمی‌شود جلوی سوانح را گرفت. برای همین چاره‌ای نداریم که به دوران مدرسه برگردیم. مهارت لازم برای زندگی اجتماعی به محتوای دروس گذاشته شود، ولی چون این کار را نکرده‌ایم الان هم راه بی‌خیال شده‌ایم و به صورت مقطعی کارهایی صورت می‌گیرد. در مقطعی بویانمایی سیاست‌کنی پیش می‌شد که به جای خودش تأثیرگذار بود، ولی آن هم متوقف شد بدون اینکه جایگزینی برایش در نظر گرفته شود. جز پیامک‌هایی که حاوی تهدید به ارتکاب تخلف است که اگر تخلفی موارد مورد اشاره خنتی شود، فرهنگ خودش را بالا می‌کشد که مبالغ حاصل شده در همان حوزه فرهنگ هزینه شود.

ما شاهد هستیم در موارد بسیاری پلیس هم بنا به دلایلی مثل دلسوزی یا متخلفان همراهی می‌کند و به جای جریمه تخلفی که مرتکب شده‌اند جریمه حداقلی برایشان در نظر می‌گیرد. همچنین یک فرد متخلف مدام مرتکب تخلف می‌شود و بعد از پرداخت جریمه به سر خره تخلف بازمی‌گردد بدون اینکه گواهینامه‌اش باطل یا حق رانندگی از او سلب شود. با حاکمیت این موارد چگونه می‌توان به ارتقای فرهنگ رانندگی امیدوار بود؟

ما باید به بحث قطعیت‌اجرای مجازات توجه کنیم، یعنی کسی که مرتکب تخلف می‌شود، امید دارد که مورد ترحم پلیس قرار گیرد، از این رو به پلیس

التماس می‌کند و پلیس نوع تخلف را به تخلف آسان‌تری تغییر می‌دهد. در یک مرحله بالاتر اگر پلیس قبول نکرد، امیدوار است با اعتراض در کمیسیون‌های مربوطه قاضی کمیسیون بخشی از تخلف او را ببخشد. از همین‌رو ما قطعیت و حتمیت اجرا را نداریم. متخلف به کاهش جرایم امید دارد که منجر به خنتی شدن اثر می‌شود.

■ **با این حال کسانی هم که بضاعت مالی خوبی دارند آماری را به خود اختصاص می‌دهند که در واقع از مصونیت مالی برخوردار هستند و در صورت بروز تخلف به راحتی آن را پرداخت می‌کنند.**

برای ارتکاب تخلف در چنین حوزه‌هایی در مقاطعی دادن نمره منفی به صورت مقطعی بازدارنده بود، ولی به اعتقاد من چون به نحو صحیح اجرا نشد و اجرای آن در مراحل ابتدایی به احتیاج مختلف خنتی می‌شد، اثرش را از دست داد. اینکه فرد نگوید چون پول دارم تخلف می‌کنم و جریمه‌اش را می‌دهم، ولی اگر تخلف می‌کنم در عرصه ابتدایی بررسی کنیم، می‌بینیم این رویه خنتی شده و مرتکبان راه‌های بیرون رفتن از تخلف را پیدا کرده‌اند. برای همین برمی‌گردیم به حتمیت و قطعیت اجرای جرایم و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های ممنوعیتی و محدودکننده که متخلف امید دارد به ترحم پلیس، ترحم قاضی رسیدگی‌کننده به تخلف و مواردی از این دست که اجرای قانون را بی‌اثر می‌کند و بی‌نتیجه می‌ماند.

■ **با توجه به همه گیری که در استفاده از وسایل نقلیه صورت گرفته است تقریباً همه مردم کاربران راه هستند. آیا انتظار عمومی که نظرسنجی شما هم‌روی آن تأکید دارد، انتظار بی‌جایی است که توقع دارند سیاستگذاران این تصمیم‌گیری بیشتر از اینکه به افزایش نرخ جرایم توجه کنند به دیگر عوامل هم توجه می‌کنند؟**

کوتاه‌ترین، آسان‌ترین و سریع‌ترین راه همین بود که جرایم را بالا ببرند که اگر ریشه‌ای بررسی شود بالا بردن نرخ جرایم می‌شود یکی از مواردی است که پیش‌روی آنها قرار داشت. کاش در کنار بالا بردن نرخ جرایم، بقیه موارد هم آورده می‌شد. معتقدم همین دستورالعمل افزایش جرایم پیوستی فرهنگی داشت که براساس آن بازگشت پول از این محل در حوزه فرهنگ ریخته می‌شد که تأثیرش بیشتر خواهد بود، یعنی قبل از اینکه بنثراین با اقدام خدابستنه‌الولایی‌دمت هم که به زندگی دوباره بازگشتانست، به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ | ۵ شوال ۱۴۴۵ |

قاتل پسر عمو به احترام عید فطر بخشیده‌شد

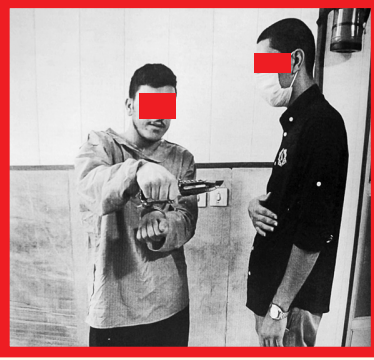
■ **غلامرضا مسکنی**

پسر جوانی که در درگیری به خاطر ۲۰۰ هزار تومان پسر عمویش را چهار سال قبل به قتل رسانده بود، به احترام عید سعید فطر بخشیده شد. شامگاه هفدهم سال ۹۹ بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری بازار از قتل پسر جوانی حوالی خیابانی در نزدیکی بازار با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی داخل خیابان با جسد خونین پسر جوانی به نام خسرو روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده‌بود.

■ **درگیری ۲ پسر عمو**

تحقیقات مأموران نشان داد مقتول همراه پسر عمویش بهرام در پاساژی نزدیکی محل حادثه کار می‌کرده تا اینکه لحظاتی قبل داخل پاساژ با هم درگیر می‌شوند و بهرام با چاقو پسر عمویش را به قتل می‌رساند و از محل می‌گریزد.



بازسازی محضه قتل

■ **۲۰۰ هزار تومان**

بدین ترتیب مأموران بهرام را به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار دادند و موفق شدند وی را چند روز بعد از حادثه بازداشت و به اداره پلیس منتقل کنند.

متهم در بازجویی‌ها با اظهار شیطانی به قتل پسر عمویش اعتراف کرد و در ادعایی گفت: «من و پسر عمویم در پاساژی حوالی بازار کار گرمی می‌کردیم و با هم خانه مجردی داشتیم. چند ماه قبل ۲۰۰ هزار تومان از او قرض گرفتیم و مدتی بعد هم بدهی‌ام را در دو قسط به او پرداخت کردم. من به او بدهی نداشتم، باعث شد مدعی بوی یکصد هزار تومان به او نادامه و یکصد هزار تومان دیگر به او بدهکارم. هر چند که او می‌گفتم بدهی‌ام را کامل داده‌ام، قبول نمی‌کرد تا اینکه این اواخر مدعی بود من تلفن همراهش را هم سرقت کرده‌ام. همین موضوع باعث شد چندباری با هم درگیر شویم و روز حادثه هم دوباره داخل پاساژ با هم درگیر شدیم. درگیری ما به بیرون کشیده‌شد و من هم عصبانی شدم و با چاقو ضربه‌ای به او زدم، اما قصد قتل نداشتم.»

■ **حکم قصاص**

متهم پس از اعتراف و تکمیل تحقیقات در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. اولیای‌دم برای متهم در خواست قصاص دادند و قضات دادگاه هم خسرو را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه پس از تأیید در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد و پرونده روی میز قاضی امین کرمانی‌نژاد قرار گرفت.

■ **بخشش**

در حالی که متهم در یک قدمی چوبه‌دار قرار داشت، تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران به سرپرستی قاضی محمد شهریاری سرپرست دادسرا جلساتی برای جلب رضایت اولیای‌دم برگزار کردند.

تلاش تیم صلح و سازش ادامه داشت تا اینکه چندروز قبل پدر مادر مقتول به دادسرای امور جنایی رفتند و اعلام کردند قاتل را به احترام عید سعید فطر بدون هیچ چشم‌پداشتی بخشیده‌اند. بنابراین با اقدام خدابستنه‌الولایی‌دمت هم که به زندگی دوباره بازگشتانست، به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای سید عیسی رضوانی احدی از نو نه مرحوم سید حسین رضوانی فرزند سیدرضا به شماره شناسنامه ۷۸۰بااستناد دو برگ استشهداعملی که امضا شهود آن توسط دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۱۷ بجنورد گواهی امضا شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت یک برگ سند مالکیت‌المثنی نوبت اول به این اداره ه مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت به شماره جای ۱۹۶۴۷۹شناسنداتی پلاک ۷ پ۱۱۲۴ از ۱۹۴۵ فرعی از ۱۶۴- اصلی واقع در اراضی حصار بخش د بجنورد به آدرس شهرک شاهد پ۷ ۱۱۲۴ از ۱۲۸ بعلت نامعلوم مفقود است و با بررسی دفتر املاک معلوم شد سند مالکیت اولیه ذیل ثبت ۳۷۱۹۳ صفحه ۴ دفتر ۱۷۷ به نام نامبر ده فوق صادر و تسلیم شده است، دفتر املاک بیش از این کابایتی ندارد لذا طبق ماده ۱۴۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردید هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را بیوست اصل سند مالکیت یاسند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید، بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یاسند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد و سند ملکیت اولیه از درجه

آگهی و متذکر می گردید هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود

سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را

بیوست اصل سند مالکیت یاسند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید، بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یاسند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد و سند ملکیت اولیه از درجه

آگهی و متذکر می گردید هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود

سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی

آگهی فقدان سند مالکیت بوضوع ماده ۱۴۰ آیین نامه قانون ثبت

خانم نسرن اسدزاده فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۴۵۷ و شماره ملی ۰۶۸۱۹۲۷۶۹۰ صادره از بجنورد و نیز اسدزاده فرزند مسعود شش ۴۴۹۶ و که ملی ۰۶۲۸۲۲۶۶۳ بجنورد با تسلیم چهار برگ استشهدا گواهی امضا شده به تقاضای کتبی شماره ۰۵۰۰۸۰۵-۱۴۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۱ جهت دریافت یک برگ سند المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است که اسناد مالکیت هر یک به میزان ۲۷ سهم از ۲۵۲ سهم شناسنداتی پلاک ۷ فرعی از ۵۲۱ اصلی واقع در بخش یک بجنورد به شمارات جای های ۹۹۴۵۳۱ و ۹۹۴۵۳۴ ذیل دفاتر الکترونیکی به شماره ۰۲۱۹۴-۰۷۱۱۵۰۰۲۱۹۷ و ۱۳۹۸۲۰۲۰۷۱۱۵۰۰۲۱۹۷ به علت نامعلومی مفقود شده است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می شود تا هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت (ارو بس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یاسند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض ترسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار ساقط است.

رونوشت: ستاد اجرایی فرمان امام جهت استحضار و اظهار نظر.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

نشانه آگهی: ۱۶۱۵-۴۶

مهدی سیاوشی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد